



به نام خدا

خبرنامه داخلی

## انجمن حمایت از کودکان کار

تهران - مولوی، باغ فردوس، خ رئیس عبداللهی، خ شهید اردستانی، کوچه شهید احمد افتخاریان، روبروی سقاخانه

بابانوروزعلی، بن بست بی نام. شماره ۴۳

کد پستی ۱۱۶۸۹۷۳۱۶۳ تلفکس: ۵۶۰۳۲۰۵

### گوش بده عربده را دست منه بردهنم

### زین دو هزاران من و ما ای عجا این چه منم

هر روز صبح با طلوع آفتاب و حتی قبل از آن بسیاری از کودکان زودتر از بزرگترها از خواب بر می‌خیزند تا در این شهر شلوغ و پر ازدحام بتوانند درآمدی برای معاش خانواده کسب کنند و شب‌ها تا دیر وقت در خیابان و درمیان اتومبیل‌ها به کار ادامه می‌دهند. شاید شما هم با دیدن این کودکان و شرایط کار و زندگی آنان بارها به این فکر افتاده باشید که باید چاره‌ای اندیشید و لازم است حرکتی به سوی تغییر شرایط به سود این کودکان صورت گیرد. بد نیست بدانیم که کودکانی که در خیابان کار می‌کنند تنها بخشی از جامعه بزرگ‌تر کودکان کار می‌باشند. کودکانی که به گفته کارول بلامی (مدیر اجرایی یو نیسف) هریک از آنها می‌توانند معجزه‌ای باشند در راه پیشرفت انسان.

می‌شود. بلکه به کارهای زیانباری گفته می‌شود که با بهره‌کشی همراه بوده و علاوه بر آسیب‌های جبران ناپذیری که بر رشد جسمی و شخصیتی کودکان وارد می‌آورد و مانع از تحصیل و آموزش آنان نیز می‌گردد.

### کار کودک

در حال حاضر در جهان بیش از ۲۵۰ میلیون کودک بین ۴ تا ۱۴ سال به طور نیمه وقت و ۱۲۰ میلیون کودک با همین دامنه سنی به طور تمام وقت مجبور به کار در محیط‌های ناامن، ناسالم و غیربهداشتی هستند. از فقر اقتصادی میتوان به عنوان اصلی‌ترین محرکه پدیده‌ی کار کودکان و کودکان خیابانی نام برد و این خود ریشه در نابسامانی‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دارد که نمود عینی و قابل لمس آن را در جامعه امروز به اشکال گوناگون می‌توان مشاهده کرد. از سوی دیگر فقدان نهادها و بنیان‌های حمایتی لازم برای حمایت از اقشار آسیب پذیر جامعه موجب فزونی و گسترش ناهنجاریها، آسیب‌ها و معضلات اجتماعی گشته است. به قطع منظور از کار کودک آن نوع از کار نمی‌باشد که جنبه آموزشی داشته و به صورت مهارت‌های اجتماعی مطرح

## وضعیت کار کودکان در ایران

«علیرغم اهمیت موضوع کار کودکان، هنوز آمار و اطلاعات واقعی و مستندی در دست نیست. با این وجود برآوردهایی از سوی برخی سازمان های بین المللی اعلام شده است از جمله در آمار تخمینی سازمان جهانی کار در سال ۱۹۹۵ آمده است ۷۱ / ۴ درصد کودکان بین ۱۰ تا ۱۴ سال در ایران از لحاظ اقتصادی فعال هستند.

براساس سرشماری سال ۱۳۷۵ بیش از ۴ درصد جمعیت شاغل کشور را گروه سنی ۱۰ تا ۱۴ سال تشکیل می دهند. براساس همین آمار جمعیت شاغل کشور ۵ / ۱۴ میلیون نفر است که ۴ درصد آن حدود ۶۰۰ هزار نفر است» (نشریه - اندیشه جامعه - شماره ۷. ص ۲۷ و ۲۲)

« هرچند رقم های رسمی بنا به گفته معاون اشتغال وزیر پیشین کار و امور اجتماعی، خبر از کارگری ۲۶۰ هزار کودک زیر ۱۵ سال به دلیل فقر اقتصادی می دهند، ما بررسی های ارائه شده ی آماری نشان می دهد که ۳۸۰ هزار کودک ۱۰ تا ۱۴ ساله در سراسر کشور کار ثابت داشته و حدود ۳۷۰ هزار کودک در همین سنین به عنوان کارگر فصلی مشغول به کارند. یعنی بیش از ۷۰۰ هزار کودک و اگر فراموش نکنیم طبق روال مرسوم کشورمان در چنین عرصه هایی آمارهای رسمی معمولاً "طوری محاسبه می شوند که ضریب خطای بالایی از واقعیت دارند، می توان فهمید که حدود ۱/۵ میلیون کودک زیر

۱۵ سال در ایران کار می کنند ... از مجموع ۲ میلیون کارگر سطح استان تهران، تنها کارفرمایان ۵۰۰ هزار کارگاه حق بیمه پرداخت می کنند. خود این اظهار نشان می دهد ۱/۵ میلیون کارگاه فقط در سطح استان تهران وجود دارند که وزارت کار نظارت و کنترلی بر آنها ندارد و اگر تنها ۱۰ درصد از این کارگاه ها فقط یک کارگر کودک و نوجوان داشته باشند حدود ۱۵۰ هزار کودک و نوجوان کارگر در سطح استان تهران کار می کنند که زیر پوشش هیچ بیمه ای قرار ندارند.

البته باید اذعان داشت که بنا به غیرقانونی بودن کار کودکان و نیز، اشتغال کودکان به کارهایی که جزو مشاغل تعریف شده نمی باشد، این مسأله به صورت پنهان وجود داشته و رقم آمار را کمتر از آنچه هست نشان می دهد.

کودکانی که در خیابان های پرازدحام به فروش کالا یا گدایی می پردازند و یا در مناطق مرزی کشور به حمل کالای قاچاق مبادرت دارند، هم چنین فعالان در کارهای کشاورزی و یا خانگی و کارگران مشول به کار در کارگاه های غیرقانونی هرگز جزء آمار ثبتی به حساب نمی آیند.»  
(روزنامه همشهری تاریخ ۱۹ / ۲ / ۸۱).

\*\*\*

### بند ۱ ماده ۳۲ پیمان نامه ی جهانی حقوق کودک:

کشورهای عضو حق کودک را برای برخورداری از حمایت در برابر بهره کشی اقتصادی و انجام هرگونه کاری که ممکن است زیانبار باشد یا خللی در تحصیل کودک وارد آورد، یا به سلامتی کودک یا رشد جسمانی، ذهنی، اخلاقی یا اجتماعی او آسیب رساند، به رسمیت می شناسد.

## بچه‌های اعماق

من می‌خواهم تو باشم - درست به پاکی و معصومیت تو - درست به غیرتمندی و توانمندی تو اما تو که هستی؟ تو که هستی؟ و که باید باشی؟ تو کودک زحمت‌کش خیابان‌گرد امروزی اما به راستی چه کس و چگونه باید باشی؟ هیچ اندیشیده‌ای؟ جهانی سبز و بهاری زیبا و خزانی خاطره‌انگیز و تابستانی به یاد ماندنی و زمستانی دل‌انگیز از آن تو خواهد بود لیک اگر تو بخواهی ..

اینجا به تو می‌آموزم من: الف- ب و بابا آب داد اما تو باید بیاموزی که بابا چرا توان نان دادن ندارد و باید بیاموزی که چرا کودکی به هیئت تو باید به بابا نان بدهد باید بیاموزی که چه کس نان را از برکت سفره تو دزدیده است. باید بیاموزی نان سفره خود و نان سفره دیگری را نباید دزدید. باید بیاموزی تو که عاشق باشی و با نیروی بی‌کران عشقت جهان را آباد و مردمان را عشق‌ترسازی آری تو باید بیاموزی. خیلی چیزها را باید بیاموزی.

حمید آزمایی

من می‌خواهم شعری بسازم از زیبایی صورت چرک آلوده‌ت.

من می‌خواهم غزلی بسرایم از رنگ زیبای لباس‌های پاره‌ات. من می‌خواهم ترانه‌ای سر دهم از آهنگ‌های روده‌های خالیت. من می‌خواهم هم رنج تو باشم. من می‌خواهم جهان زیبا را از منظر کودکی دوره‌گرد توصیف کنم.

من می‌خواهم بساط واکسن‌زنی را کنارحسن ۸ ساله پهن کنم. من می‌خواهم طعم لذیذترین غذاها را از پشت شیشه‌های رنگی رستوران‌های مجلل بچشم.

من می‌خواهم مثل سمیرای ۵ ساله هر شب در خوابم صاحب زیباترین عروسک دنیا شوم.

من می‌خواهم برای فروختن چند شاخه گل جانم را کف دستم بگذارم.

من می‌خواهم هر روز در زیر برف و باران و چه فرق دارد ستیغ آفتاب در همه‌ی بزرگراه‌های این شهر به ماشین‌های گران قیمت التماس کنم.

### بند ۱ ماده ۲۴ پیمان نامه‌ی جهانی حقوق کودک:

کشورهای عضو حق کودک را برای برخورداری از بالاترین معیارهای بهداشتی به رسمیت می‌شناسد و تضمین خواهند کرد که هیچ کودکی از حق دسترسی به خدمت بهداشتی محروم نماند.

ماده ۷۹ قانون کار: به کارگماردن افراد کمتر از پانزده سال تمام ممنوع است.

\*\*\*

بر کسی پوشیده نیست که برنامه‌ریزی و توجه ویژه به کودکان یکی از شاخصه‌های اصلی توسعه پایدار به شمار می‌آید و بهروزی و سعادت جوامع در گرو میزان توجهی است که به کودکان و مسایل آنان می‌شود و نیز می‌دانیم که نابسامانی‌های ناشی از تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بیشترین فشار را بر طبقات فرو دست جامعه وارد می‌آورد و در این میان کودکان این طبقات در معرض بیشترین فشار ناشی از این نابسامانی‌ها قرار دارند که پدیده کار کودکان و کودکان خیابانی محصول چنین فرایندی است.

اگر چه پدیده کار کودکان در کشور از دیر باز وجود داشته است ولی در سال‌های اخیر ما با رشد روز افزون چشمگیر این پدیده در اشکال مختلف روبه رو هستیم و نیز به دلیل پیدایش کلان شهرها و پیچیدگی‌های خاص این شهرها کودکان کارگر علاوه بر آسیب جسمی با آسیب‌های بی‌شمار دیگری مواجه هستند که در گذشته دور به دلیل قرارگرفتن در ساختار خانوادگی و طایفه‌ای کمتر با این آسیب‌ها مواجه بودند.

اثرات مخرب و ابعاد رو به گسترش این آسیب‌ها به حدی است که هرگونه تأخیر در چاره‌اندیشی می‌تواند پیامدهای ناگوار جبران ناپذیری را بر زندگی این کودکان و سلامت و امنیت جامعه داشته باشد.

طی سال‌های اخیر در ایران سازمان‌ها و نهادهای مختلفی در این خصوص آغاز به فعالیت نموده‌اند. یکی از این نهادها، انجمن حمایت از کار کودکان کار است که به عنوان یک نهاد مستقل مردمی با پشتوانه‌ی حمایت و فعالیت داوطلبانه اعضا و با هدف حمایت از کودکان کار و خیابان که از آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه می‌باشند و نیز تلاش در راستای تحقق مفاد پیمان نامه جهانی حقوق کودک و قوانین جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با حقوق کودکان پا به عرصه فعالیت نهاده است.

برای حمایتی هرچه اساسی تر از این کودکان لازم است ضمن مطالعه و آگاهی از تجارب و راهکارهای جهانی همواره ویژگی‌ها و شرایط بومی محل زندگی آنان را نیز در نظر گرفت. لذا انجمن حمایت از کودکان کار مرکزیت خود را در یکی از محله‌هایی که بخش قابل توجهی از کودکان آن کار میکنند قرار داده است.

\*\*\*

ماده ۷ پیمان نامه‌ی جهانی حقوق کودک:

تولد کودک باید بلافاصله پس از بدنیا آمدن ثبت شود. به راستی چه تعداد از کودکان ایرانی شناسنامه ندارند؟

\*\*\*

### چرا کار کودکان؟

طی بیش از دو سال فعالیت داوطلبانه‌ی آموزشی - حمایتی در میان کودکان کار و خیابان محله دروازه غار و آشنایی بیشتر با روحیات، نیازها، حساسیت‌ها و ویژگی‌های این کودکان، آموختیم که حمایت از کودکان جز با به رسمیت شناختن هویت انسانی آنان میسر نیست. کودکانی که شأن و هویت انسانی آنان نادیده گرفته شده است و محروم از دنیای شیرین کودکی، ناگزیر از چهره‌ی خشن فقر، جهل، گرسنگی، تعدی و تجاوز می‌باشند. در میان نسبت دادن القاب و عناوینی چون خیابانی، فراری و... ستم دیگری است که می‌تواند در تمامی عمر بر شخصیت آنان سایه انداخته و مدار بسته زندگی شان را دچار تسلسل نماید.

واژه‌ی خیابان و خیابانی در جامعه ما مترادف با ولگردی و بی‌خانمانی می‌باشد.

بارارزشی این واژگان نزد افکار عمومی جامعه از یک سو و اثر بازتاب نا مطلوب آن بر شخصیت کودکان محروم از سوی دیگر، ما را بر آن داشت تا به منظور حفظ حرمت و شأن انسانی کودکان، بر خلاف آنچه متداول است، واژه خیابان را در نامگذاری به کار نبرده‌اند و نام «کودکان کار» را برای تمامی این کودکان اعم از آنهایی که محل کارشان در خیابان‌ها، کارگاه‌ها، منازل و... بوده، برگزینیم.

## اخبار انجمن

ای جوی بیا به هم هم آوا گردیم  
پیوند کنیم روشنی به پاکی

به چشمه و شط و رود یکجا گردیم  
باشد روزی دوباره دریا گردیم

- نخستین نمایشگاه کودکان کار به مناسبت روز جهانی کارگر از ۱۳ لغایت ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۸۱ در محل نگارستان شاهد واقع در خیابان جمهوری نرسیده به چهارراه استانبول خیابان بابی ساندز برگزار خواهد شد. در این نمایشگاه آثار برگزیده‌های از نقاشی کودکان کار در معرض تماشای عموم قرار خواهد گرفت.
- انجمن حمایت از کودکان کار جهت گسترش فعالیت های خود با شروع سال ۱۳۸۲ خورشیدی آماده پذیرش نیروهای داوطلب می باشد.
- کتابخانه انجمن حمایت از کودکان کار جهت تکمیل کتابخانه آماده دریافت کتابهای اهدای شما می باشد تا در اختیار کودکان کار و کودکان محله قرار دهد.
- انجمن حمایت از کودکان کار با هدف حمایت از کودکان کار و خیابان در تاریخ ۱۳۸۱/۸/۲۶ با شماره ۱۴۶۰۷ در اداره ی ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری ثبت گردید.
- حساب جاری انجمن حمایت از کودکان کار با شماره ۷۰/۹۵ نزد بانک سپه شعبه مرکزی کد ۰۱ افتتاح گردید.
- کودکان محله دروازه غار از تاریخ ۷ دی ماه ۱۳۸۱، همه روزه در مرکز انجمن حضور داشته و توانسته اند از امکانات موجود اما محدود انجمن در کلاسهای نقاشی قصه گویی و نیز کتابخانه استفاده نمایند.
- مالکیت ساختمان انجمن در تاریخ ۳۰ / ۱۱ / ۸۱ با بهره مندی از کمک های مردمی در قالب هدیه و وام به انجمن حمایت از کودکان کار ثبت گردید.

از تمامی دوستان و یارانی که در این راه همراه و همگام ما بوده اند و با بذل امکانات در اختیار خویش، این مسیر دشوار را بر ما هموار نمودند سپاسگزاریم. امید اینک همواره در جهت رسیدن به اهداف والای انسان دوستانه در کنار هم باشیم.

# گزارش مالی

انجمن حمایت از کودکان کار در نظر دارد جهت آگاهی دوستان از این پس صورتهای مالی خود را در پایان هر فصل در خبرنامه منتشر نماید. صورت مالی حاضر مربوط به عملکرد مالی انجمن از آغاز فعالیت تا پایان سال ۸۱ می باشد.

## صورت حساب سود و زیان

برای دوره مالی منتهی به ۸۱/۱۲/۲۸

درآمد	
۶۸ / ۹۹۷ / ۵۰۰ ریال	کمکهای مردمی در یافتی از ابتدای شهریور تا ۸۱ / ۱۲ / ۲۸ کسر میشود:
	هزینه های انجام شده :
ریال (۴ / ۵۰۰ / ۰۰۰)	هزینه کار مزد وام بانکی
ریال (۹ / ۱۱۰ / ۰۰۰)	هزینه دستمزد و خرید مصالح جهت تعمیرات
ریال (۱۴ / ۲۱۵ / ۰۰۰)	هزینه های جاری و اداری
جمع هزینه ها	
ریال ۲۷ / ۸۲۵ / ۰۰۰	
ریال ۴۱ / ۱۷۲ / ۵۰۰	مانده (نقل به حساب سرمایه )

## ترازنامه

برای دوره مالی منتهی به ۸۱/۱۲/۲۸	
دارایی ها:	بدهی ها :
دارایی ثابت (غیرمنقول)	
ساختمان انجمن	۴۹۵'۰۰۰'۰۰۰
تجهیزات و لوازم اداری	۵'۸۴۰'۰۰۰
سپرده بانکی	۵۷'۰۰۰'۰۰۰
(پیش پرداخت وام بانکی)	شامل: سرمایه اولیه
موجودی بانک	۱/۰۰۰/۰۰۰
	و
حساب ۷۰/۹۵ بانک سپه شعبه مرکزی	افزایش سرمایه طی
۹۱/۰۵۰	دوره ۴۱/۱۷۲/۵۰۰
مانده حساب تنخواه گردان	
۱۱/۴۵۰	
۵۵۷'۹۴۲'۵۰۰	۵۵۷'۹۴۲'۵۰۰

## خاطره

غروب یک روز جمعه زمستان موتور سواری با دختر بچه ای در خیابان مولوی برخورد می کند و بعد از مجروح کردن او از صحنه حادثه میگریزد .

دخترک بی توجه به شکاف وارده به روی ساق پا و خونریزی می رود تا به کارش که گدایی است ادامه دهد. در همین حین موتور سوار دیگری به وی پیشنهاد ایجاد رابطه می دهد . دو تن از دوستان که از داخل تاکسی شاهد ماجرا بودند سرعاً " خود را به دخترک می رسانند تا او را به بیمارستان اشرفی اصفهانی منتقل کنند. در تمام مدتی که همه با او بودیم هرچه کردیم نتوانستیم لبخندی هرچند بی جان به روی لبانش بیاوریم . قرار بعدی ما دو روز بعد از حادثه بود هر چه انتظار کشیدم نیامد.

تونست روپایه خودش بایسته کاسه دادن دستش و مستقلاً شروع کر به گدایی.

دامن وشلوار سیاه و گله گشادش پیراهن سیاه و نازکش تو اون سرمای زمستون روسری سوراخ سوراخ و کیفی که چند تا اسکناس مچاله شده توش داشت پرپر میزد تمام دارایش بود.

اما نه چیزایه دیگه ای هم داشت . چقدر بی انصاف شدم !

چرا نگفتم یه عالمه غم داشت .پدري که میدونم اصلاً دوستش نداشت . دنیایی که باهاش نامهربون بودو همشهریهایی که به جای مرهم زخم رو زخمش می گذاشتن و زخم به روح و جسمش به متمم وجودش می زدند .

چشم هایی داشت که بی فروغ ود و لبهایی که هرگز به نده وانمی شد .

دستی که همیشه برای گداییدراز بود و... خلاصه ازین دست خیلی چیزا داشت .

قدماش یارای رفتن نداشت اما رفت . لیلای دوازده ساله رو میم.

« سمیکا »

های لیلا یکنفر سردر گریبان مانده است

باز مجنونی اسیر دست طوفان مانده است

سوی دریا می رود با رد پای کاغذی

دل که با این حرف ها در خود پریشان مانده است

« سمانه حاتمی »

قدماش یارای رفتن نداشت . نه رفتن و نه موندن . توی قدمای بلا تکلیفش می شد حیرونی و سردر گردونیشو توی زندگی فهمید . شلواره مندرسش و بالا زده بود و داشت گدایی میکرد . اصلاً" به خونی که بر اثر جراحی از پاش میرفت توجهی نداشت .

خون کم ندیده بود خون دل کم نخورده بود رنج کم نکشیده بود درد کم نبرده بود زیر دست این و اون کم نرفته بود خنده اما کم داشت شادی اصلاً" عروسک به عمرش ندیده بود حتی میگم یک تیکه پارچه رو هم گره نزده بود تا جای عروسک باهاش بازی کنه . آخه میدونی از وقتی به دنیا اومد شروع کرد به کار به گدایی .

اونوقتا مادرش اونو به پشت میبست کمی که بزرگتر شد نشست بغل دست خواهرش از وقتی هم که

# کودکان کار

به مناسبت روز جهانی کارگر  
انجمن حمایت از کودکان کار با همکاری  
نگارستان شاهد برگزار می کند  
نمایشگاه نقاشی کودکان کار



زمان: ۱۴ تا ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۸۲  
مکان: خیابان جمهوری اسلامی نرسیده به چهارراه  
استانبول خیابان بابی ساندز  
شماره ۲۴ نگارستان شاهد تلفن ۶۷۲۶۸۲۲  
ساعات بازدید (۱۵-۱۸/۳۰)، (۹-۱۲)

## کودکان همواره تاریخ قربانیان ناگزیر جنگند، امروز کودکان عراقی. فردا...

نخستین خبرنامه داخلی انجمن حمایت از  
کودکان کار در تاریخ ۱۳۸۲/۲/۱۰ به چاپ رسید  
قطعاً آغاز همکاری با اشکالاتی همراه است که ما  
نیز از این قاعده مستثنا نیستیم.  
با همکاری ها، انتقادات و پیشنهادات شما  
عزیزان می توانیم در ادامه راه کاری پربارتر و بهتر  
ارائه دهیم.

نشانی گیرنده: